

و یا نهایتاً یک‌ساله، شاهد خیز رشد قیمت‌های نفت خام صادراتی کشور بوده‌ایم.

این موضوع از دو بُعد قابل بررسی است. در بُعد اول، دولت با صادرات نفت خام، ارز به دست آمده را وارد بازار می‌نماید و در نتیجه تقاضای ریال افزایش می‌یابد که پیامد این مسأله افزایش تقاضای کل در سطح کلان خواهد بود و متأسفانه از آنجا که متناسب با آن شاهد رشد تولید و عرضه کالا و خدمات - بخش غیرنفتی - در کشور نبوده‌ایم، مازاد تقاضای موجود، منجر به افزایش قیمت‌ها یا همان رشد تورم می‌گردد. در حالت دوم که تا حدودی از حالت اول متأثر است، با افزایش تقاضای کل در جامعه، دولت از طریق کاهش تعرفه‌های گمرکی و تسهیل واردات، سعی بر کنترل این مازاد تقاضا می‌نماید، واردات را افزایش می‌دهد (قابل توجه آن که در هر دو مورد، سیاست‌های پولی و بانک مرکزی مقصرند).

اما از آنجا که افزایش قیمت انرژی برای تولیدکنندگان خارجی به منزله افزایش هزینه‌های آنان خواهد بود، تولیدکنندگان خارجی نیز با افزایش قیمت کالای تولیدی، تورم به وجود آمده خارج از مرزها را به کشور ما منتقل می‌کنند، لذا کشورهایی برنده اصلی خواهند بود که تکنولوژی برتری در اختیار داشته باشند که متأسفانه کشورمان در این زمینه در قیاس با رقبای خارجی خود بسیار عقب‌تر است.

هدفمندی یارانه‌ها با نیت کاهش وابستگی به نفت و درآمدهای آن و با عزم درست حفظ ذخایر انرژی برای نسل‌های آتی به قانونی تبدیل شد که لاقلاً برای مدتی رفاه مردم کشور را از جنبه تورم، بیکاری، رکود واحدهای صنعتی و مواردی از این قبیل به همراه خواهد داشت. این موضوع به یک خروجی قوی و مطمئن نیازمند است که این خروجی میزان اتکالی دولت به نفت و درآمدهای آن خواهد بود. قیمت بالای نفت در بودجه به منزله تکیه بر درآمدهای ناپایداری است که تحت تأثیر تغییرات احتمالی می‌تواند به

کسری‌های بودجه ویرانگری بی‌انجامد. ■

با توجه به ارزیابی‌های مختلف، بخش اعظمی از یارانه‌ها به اقشار پُردرآمد جامعه تخصیص پیدا کرده و لذا برای جبران این قضیه، اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها مطرح شد که نظارت بر اجرای مؤثر لایحه، کمک شایانی به مشکلات و وضعیت مردم خواهد کرد.

چیزی که مشخص است آن است که اجرای این طرح به طور قطع در سال آینده آغاز خواهد شد و اجرای طرح یک انتخاب نیست، بلکه الزام است و باید به انجام برسد تا در آینده تحقق شعار عدم اتکا به درآمدهای نفتی و تکیه به تجارت برای تولید ثروت در جامعه محقق شود، چرا که با روند کنونی هرگز به اهداف و برنامه‌های پیش‌بینی شده در توسعه کشور دست نخواهیم یافت. ■

وابستگی بودجه به نفت

موتور نفت‌سوز

هنوز در کشور ما راه حلی برای کاهش وابستگی به نفت اندیشیده نشده است.

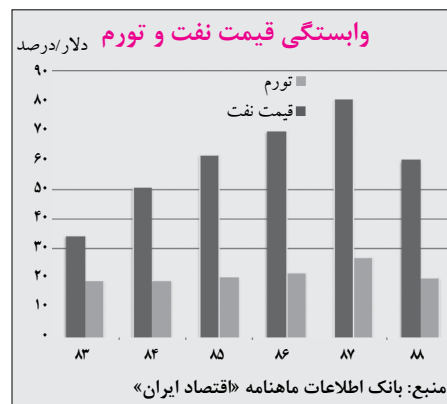
درآمدهای صادراتی نفت و گاز رقمی معادل ۸۱/۵ درصد درآمدهای صادراتی کشور را شامل می‌شوند و این نشان از عدم برنامه‌ریزی در راستای کاهش وابستگی اقتصاد کشور به فروش منابع فسیلی دارد.

تورم

متأسفانه علیرغم آن که بارها در مقالات و نشریات عواقب نامناسب وابستگی اقتصاد به نفت عنوان شده، اما هنوز شاهد آن نیستیم که منابع درآمدی کشور بر پایه استقلال از درآمدهای نفتی پایه‌گذاری شوند. یکی از عواقب نامناسب این وابستگی را باید در افزایش شاخص قیمت‌ها

اقتصاد تک‌محصولی و وابسته به نفت کشور، سال‌ها است که مورد انتقاد اقتصاددانان ایران قرار گرفته، اما متأسفانه هیچ‌گاه در بُعد تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری شاهد اتخاذ سیاست‌هایی جهت رفع مشکلات این حوزه نبوده‌ایم. به عنوان مثال هر ساله بیان می‌شود که باید سهم منابع نفتی در بودجه کاهش یابد و به تبع آن، سهم صادرات نفتی از کل صادرات کاهش یابد که معنای آن، افزایش صادرات غیرنفتی - به عنوان مولد اقتصاد تولیدی کشور - است، اما درست هنگام برنامه‌ریزی‌ها شاهد نقض آن بوده و عملاً می‌بینیم که اقتصاد کشور متکی به نفت و درآمدهای متالطم آن حرکت می‌کند. نمونه آن را می‌توان در لایحه بودجه سال ۸۹ که از سوی دولت به مجلس ارایه شده، مشاهده نمود، چرا که بودجه ارایه شده از سوی دولت، بر مبنای نفت ۶۵ دلاری تنظیم شده است که نسبت به سال گذشته که بر مبنای نفت ۳۷/۵ دلاری تنظیم شده بود، از افزایش ۷۳/۳ درصدی حکایت دارد و نشان می‌دهد که عملاً راهکاری برای استقلال از منابع نفتی در کشور اندیشیده نشده است.

نگاهی به روند وابستگی کل صادرات کشور به صادرات نفتی و البته گازی، می‌تواند مؤیدی بر مطلب فوق باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که صادرات نفت و گاز ایران در دهه جاری رقمی معادل ۷۵/۸ درصد کل صادرات کالا و خدمات کشور را به خود اختصاص داده که اگر از این مقدار، صادرات خدمات را کسر نماییم،



(تورم) در کشور دانست، به طوری که هرگاه قیمت نفت در کشور افزایش یافته، به تبع آن با وقفه زمانی چندماهه